



## عید فطر

اول ماه شوال را عید فطر می‌گویند که بنابر معنای **عید**، به معنای بازگشت به **فطرت** می‌باشد.

### فهرست مندرجات

- ۱ - [تعریف عید](#)
  - ۲ - [اجتماعی بودن شئون اسلامی](#)
    - ۲.۱ - [اجتماعی بودن مسئله جهاد](#)
    - ۲.۲ - [اجتماعی بودن روزه و حج](#)
  - ۳ - [عید فطر در قرآن](#)
    - ۳.۱ - [آیه ۱۸۵ سوره بقره](#)
      - ۳.۱.۱ - [بحث درباره «والتکموا»](#)
      - ۳.۱.۲ - [منظور از تکبیر در روایت](#)
      - ۳.۱.۳ - [نظرات در ولتکبر الله](#)
      - ۳.۱.۴ - [تکبیرها در کلمت فقها](#)
      - ۳.۱.۵ - [نظر شافعی در تکبیرها](#)
      - ۳.۱.۶ - [نتیجه بحث در تکبیرها](#)
    - ۳.۲ - [آیت ۱۴-۱۵ سوره اعلی](#)
      - ۳.۲.۱ - [منظور از تزکیه](#)
      - ۳.۲.۲ - [مرحل عملی مکلف](#)
      - ۳.۲.۳ - [مرحل عملی مکلف در آیه](#)
      - ۳.۲.۴ - [نظرات در بیه «تزکی» در آیه](#)
      - ۳.۲.۵ - [روایت در تفسیر آیه](#)
  - ۴ - [آداب نماز عید فطر](#)
  - ۵ - [پانویس](#)
  - ۶ - [منبع](#)
- تعریف عید

عید در لغت از ماده **عود** به معنی بازگشت است، و لذا به روزهایی که **مشکلات** از **قوم** و جمعیتی برطرف می‌شود و بازگشت به پیروزی‌ها و راحتی‌های نخستین می‌کند عید گفته می‌شود، و در **اعیاد اسلامی** به مناسبت این‌که در پرتو اطاعت یک **ماه مبارک رمضان** و یا انجام فریضه **حج**، **صفا** و **یلکی** فطری نخستین به **روح** و **جین** باز می‌گردند و آلودگی‌ها که برخلاف فطرت است، از میان می‌رود، عید گفته شده است.  
[۱] مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۱۳۱.

### اجتماعی بودن شئون اسلامی

بسیاری از **آیات قرآن** بر اجتماعی بودن **شئون اسلامی** دلالت می‌کند و صفت اجتماعی بودن در تمامی **احکام** و نوامیس اسلامی **حاکم** است.

### ← اجتماعی بودن مسئله جهاد

**شارع مقدس** اسلام در مسئله **جهاد**، اجتماعی بودن را به طور مستقیم **تشریح** کرده و دستور داده حضور در جهاد و **دفاع**، به آن مقداری که **دشمن** دفع شود **واجب** است.

**روزه** و حج بر هر کسی که **مستطیع** و **قادر** به انجام آن دو باشد و **عذری** نداشته باشد واجب است، اجتماعیت، در این دو واجد به طور مستقیم نیست. بلکه لازمه آن دو است، چون وقتی **روزه دار** روزه گرفت قهراً در طول رمضان در **مساجد** رفت و آمد خواهد کرد و در آخر در **روز** عید فطر، این **اجتماع** به حد کامل می رسد، و نیز وقتی **مکلف** به زیارت **خانه خدا** گردید قهراً با سایر مسلمانان یک جا جمع می شود، و در روز **عید قربان** این اجتماع به حد کامل می رسد. و نیز **نمازهای پنجگانه یومیه** را بر هر مکلفی واجب کرده، و **جماعت** را در آن واجب نساخته، ولی این **رخصت** را در **روز جمعه** تدارک و تلافی کرده و اجتماع برای **نماز جمعه** را بر همه واجب ساخته است.

## عید فطر در قرآن

با مراجعه به **قرآن** شریف آیاتی را می توان یافت که به طور مستقیم و با کمی **دقت** بر عید فطر و **آداب** آن توجه دارند و نشان می دهند که این مسئله از دید قرآن پنهان نمانده است. آن **آیت** عبارتند از:

← آیه ۱۸۵ سوره بقره

در آیه ۱۸۵ سوره مبارکه بقره

**[۱]** بقره/سوره ۲، آیه ۱۸۵.

، **خداوند متعال** ضمن معرفی ماه مبارک رمضان و **نزول قرآن** در آن به برخی از احکام مربوط به این **ماه** شریف اشاره کرده و می فرماید: هر یک از شما که **هلال ماه** رمضان را مشاهده کرد باید روزه بگیرد و کسی که در حال **سفر** و یا **مرض** بود و ماه رمضان را **ترک** کرد در روزهای دیگر باید، روزه فوت شده را جبران کند. در ادامه می فرماید: **خداوند** این **احکام** را به خاطر **رحمتی** شما و نه به خاطر به **سختی** افتادنشان تشریح نموده است و اینکه **عذر** را تکمیل کنید و خدا را به خاطر **هدایت** بزرگ بخوابانید. «بیربنا الله بکم الیسر ولایرید بکم العسر ولتکملوا العده ولتکبروا لله علی ما هدکم ولعلکم تشکرون».

← بحث درباره «ولتکملوا»

ولتکملوا... **عطف** به برید و مبین **علت غائی** است. خداوند در **تشریح احکام** برای شما آسانی خواسته نه **سختگیری**، تا روزه ایام معدود را به هر صورتی که بتوانید چه در **ماه رمضان** یا غیر آن به **کمال** رسانید ممکن است ولتکملوا، عطف به فعل مقرر یا فلیصمه، باشد: تا از این امر «فلیصمه» (و هر امری) آنچه آسانست و بتوانید، انجام دهید و آن را تکمیل نمایید، چون **امر** ولتکملوا بعد از امر به روزه ماه رمضان است **کمال ظاهری** آن معنای اتمام می باشد. و **کمال معنوی** آن انجام با **شرایط** و آداب آن است تا با گذشت ایام **اراده ایمانی**، حاکم بر انگیزه ها و **شهووات** گردد و انسان را برتر آورد و اراده خدا **ذهن** را فراگیرد و یاد **عظمت** او **زنده** و **فعل** گردد پدای که بر طریق هدایت استوار شود: ولتکبروا لله علی ما هدکم و لعلکم تشکرون. در پرتو آن، نعمتها مشخص و **شکرگزاری** شود.

← منظور از تکبیر در روایت

در **روایت** منظور از **تکبیر** در جمله: ولتکبروا لله علی ما هدکم

**[۲]** بقره/سوره ۲، آیه ۱۸۵.

، **تعظیم**، و منظور از هدایت، **ولایت** است.

اینکه هدایت به معنای ولایت باشد از بلب تطبیق **کلی** بر **مصدق** است و ممکن است از قبیل همان قسم بیاناتی باشد که نامش را **تأویل** گذاشته اند، چنانکه در بعضی از روایات آمده و در معنای دو کلمه **یسر** و **عسر** فرموده اند: یسر ولایت و عسر مخالفت با **خدا** و **دوستی** با **دشمنان** خداست. پس معنای آیه این است که تا خداوند را بزرگ بداری و اجلالتش کنی بخاطر آن هدایت و **راهنمایی** که برای شما در دینتان بیان کرد و به خاطر آنکه به شما توفیق داد تا ماه رمضان را **روزه** بداری این ماه اختصاصی شما **امت** مسلمان می باشد و **امم** دیگر از آن بی بهره اند.

← نظرات در ولتکبر الله

بیشتر دانشمندان گفته اند که مقصود از ولتکبر الله، تکبیرهایی است که در **شب** عید فطر وارد شده است که این تکبیرها بعد از چهار **نماز مغرب** و **عشاء** و **صبح** روز عید و **نماز عید فطر** گفته می شود. در عید فطر اینگونه می گویند «الله اکبر الله اکبر لاله الا الله و الله اکبر الله اکبر و لله الحمد الحمد علی ما هدانا وله الشکر علی ما اولانا».

**[۳]** رازی، ابوالفتوح، تفسیر ابوالفتوح رازی ج ۲، ص ۱۸.

← تکبیرها در کلمات فقهی

توضیح - برخی برای روز عید این تکبیرها را بعد از **نماز ظهر** و **عصر** روز عید نیز ذکر کرده اند. حضرت **امام خمینی** و **آیت الله اراکی** جزء این دسته از **فقهایی** می باشند **مستند** این **حکم**، روایتی است از قول **امام صادق** (علیه السلام) که فرمود: در عید فطر هم تکبیر هست، عرضه داشتیم تکبیر که غیر از **روز قربان** نیست، فرمود: چرا در عید فطر هم هست، لیکن **مستحب** است که در مغرب و عشاء و **فجر** و ظهر و عصر و دو رکعت **نماز عید** گفته شود.

**[۴]** نوری طبرسی، حسین، مستدرک الوسائل، ج ۶ ص ۱۳۷.

همچنین **سعید نقاش** از امام صادق (علیه السلام) **روایت** کرده است که فرمود: برای من در شب عید فطر تکبیر هست، اما **واجب** نیست بلکه **مستحب** است، می گوید، پرسیدم این تکبیر در چه وقت مستحب است؟ فرمود در شب عید در مغرب و عشا و در **نماز صبح** و نماز عید آنگاه قطع می شود، عرضه داشتیم چگونه تکبیر بگویم؟ فرمود: می گوئی الله اکبر، الله اکبر، لاله الا الله، و الله اکبر، الله اکبر و لله الحمد، الله اکبر علی ما هدانا و منظور از **کلام خدا** که می فرماید: ولتکملوا العده همین است، چون معنایش این است که **نماز** کامل کنید. و **خدا** را در برابر اینکه هدایتتان کرده تکبیر کنید

[۶] حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۴۵۵.

[۷] کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۴، ص ۱۶۶.

و تکبیر همین است که بگویند: الله اکبر، لاله الا الله، و الله اکبر، و الله الحمد راوی می گوید در روایت دیگری آمده که تکبیر آخر را چهار بار باید گفت. مرحوم علامه طباطبایی ضمن بیان دو روایت یاد شده در حل تعارض بین آن دو می نویسد: اختلاف این دو روایت که یکی تکبیر را در ظهر و عصر نیز مستحب می داند و دیگری نمی داند ممکن است حمل شود بر مراتب استحباب، یعنی دومی مستحب باشد، و اولی مستحب تر، و اینکه فرمود: منظور از (ولتکملوا العده) **اکمال نماز** است شاید منظور این باشد با خواندن نماز عید، عدد روزه را **تکمیل** کنید و باز خود تکبیرات را بگویند. که خدا شما را **هدایت** کرد، و این با معنایی که ما از **ظاهر** جمله، و لتکبروا لله علی ما هدیکم... [۸]

[۸] بقره/سوره ۲، آیه ۱۸۵.

فهمیدیم منافات ندارد، برای اینکه کلام امام استفاده حکم استحبابی از مورد **وجوب** است.

[۹] طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۲۸.

## ← نظر شافعی در تکبیرها

**شافعی** معتقد است که باید الله اکبر را سه بار گفت و از زمانی که **ماه** دیده می شود و تا زمانی که امام به **نماز** می ایستد این تکبیرها تکرار شود.

## ← نتیجه بحث در تکبیرها

وقتی امام بیرون آمد همراه **تکبیر** او باید تکبیر گفت در حالی که در **عید قربان** باید همین تکبیرها را پشت سرده نماز خواند که اولین آنها نماز ظهر روز عید قربان تاده نماز بعد از آن می باشد.

کسانی که در شهرها هستند پشت سرده نماز این تکبیرها را می گویند و کسانی که در **منی** می باشند پشت سر ۱۵ نماز که اول آنها نماز ظهر عید قربان است این تکبیرها را تکرار می کنند.

[۱۰] رازی، ابوالفتح، تفسیر ابوالفتح رازی، ج ۲، ص ۶۸.

## ← آیت ۱۴-۱۵ سوره اعلی

در آیت ۱۴-۱۵ سوره مبارکه اعلی

[۱۱] اعلی/سوره ۸۷، آیه ۱۴-۱۵.

، به نجات اهل **ایمان** و عوامل این **نجات** اشاره می کند، نخست می فرماید: مسلماً **رستگار** می شود کسی که خود را **تزکیه** کند (قد افلح من تزکی) و نام پروردگارش را به یاد آورد و به دنبال آن نماز بخواند (و ذکر اسم ربه فصلی)

به این ترتیب عامل **فلاح** و **رستگاری** و **پیروزی** و **نجات** را سه چیز می شمرد: **تزکیه** و ذکر نام **خداوند** و سپس بجا آوردن **نماز**.

## ← منظور از تزکیه

در اینکه منظور از تزکیه چیست تفسیرهای گوناگونی ذکر کرده اند:

نخست اینکه منظور پاکسازی **روح** از **شرک** است، به **قرینه** آیت قبل، و نیز به قرینه اینکه مهم ترین پاکسازی همان پاکسازی از شرک است. دیگر اینکه منظور پاکسازی **دل** از **ذائل اخلاقی** و انجام **اعمال صالح** است، به قرینه **آیت فلاح** در **قرآن** مجید از جمله **آیت** آغاز **سوره مؤمنون**

[۱۲] مؤمنون/سوره ۲۳، آیه ۹-۱۰.

که فلاح را در گرو اعمال صالح می شمرد، و به قرینه آیه ۹ **سوره شمس**

[۱۳] شمس/سوره ۹۱، آیه ۹.

که بعد از ذکر مسئله **تقوی** و **فجور** می فرماید: قدا فح من زکیها: رستگار شد کسی که **نفس** خود را از **فجور** و **اعمال زشت** پاک کرد و به **زینت** تقوی بیار است. دیگر اینکه منظور **زکات فطره** در روز عید فطر است که نخست باید زکات را پرداخت و بعد نماز عید را بجا آورد.

## ← مراحل عملی مکلف

قابل توجه اینکه در **آیت** فوق نخست سخن از تزکیه و بعد **ذکر** پروردگار و سپس نماز است.

به گفته بعضی از **مفسران** مراحل عملی **مکلف** سه مرحله است:

نخست **از الله** عقائد فاسده از **قلب** سپس حضور **معرفة الله** و **صفات** و **اسماء** او در دل و سوم **اشتغال** به **خدمت**.

## ← مراحل عملی مکلف در آیه

آیت فوق در سه جمله کوتاه اشاره به این سه مرحله کرده است.

این نکته نیز قابل توجه است که **نماز** را **فرع** بر **ذکر پروردگار** می شمرد، این به خاطر آن است که تا به یاد او نیفتد و نور **ایمان** در دل او پرتو افکن نشود به نماز نمی ایستد به علاوه نمازی ارزشمند است که توأم با ذکر او و ناشی از **یاد** او باشد، و اینکه بعضی ذکر پروردگار را تنها به معنی الله اکبر یا بسم الله الرحمن الرحیم که در آغاز نماز گفته می شود تفسیر کرده اند در حقیقت بیان مصداق هایی از آن است.

همان طور که می دانیم وظیفه **پیغمبر** تزکیه است. دل های مستعد و حق طلب و حقیقت خواه آیت را می شنوند، **متناثر** می شوند، می پذیرند و می گروند، و دل هاشان از **نجاست** شرک با آب **توحید** پاک و **پاکیزه** می شود.

و ذکر اسم ربه فصلی

## ۱۴-۱۵. اعلیٰ/سوره ۸۷، آیه ۱۴-۱۵.

- اسلامی پروردگار همگی **اوصاف ذات** مقدس هستند. ذکر ممکن است بجز **زین** باشد، مثل معنی **رحمن** و **رحیم** و آثار **رحمت** و اسعه خداوند در همه **کائنات** و در **وجود** خودملن ببیندیم. توجه بمعانی رحمت و **علو** و **عظمت** یا **خالق** و **رازق** بودن قادر متعال قهرا و قطعاً **خضوع** و **خشوع** می‌آورد. برجسته‌ترین نمونه اظهار خشوع **نماز** است. ببینید چگونه در سه کلمه، جمیع مراحل را جمع فرموده است:

۱- پاک شدن از شرک و اخلاق رذیله به توحید و ایمان و باور داشتن اصول عقاید (ترکی)

۲- در آثار قدرت و حکمت پروردگار و نعمت‌های مادی و معنوی و جسمی و روحی اندیشیدن که هر ساعتی از این تفکر بهتر از هفتاد سال عبادت است. علاوه بر این ذکر قلبی، با زبن نیز کلمه شهادت گفتن (ونکر اسم ربه).

## ۱۵- اعلیٰ/سوره ۸۷، آیه ۱۵.

۳- اظهار شکستگی و فروتنی و کوچکی در پیشگاه پروردگار نمودن و به عبادت و پرستش پرداختن (فصلی) هرکس این سه مرحله را پیمود بامر منزل فلاح و رستگاری می‌رسد و این است معنی (قد افلح من تزکی).

## ۱۶- اعلیٰ/سوره ۸۷، آیه ۱۶.

### ← نظرات دربار «ترکی» در آیه

عده‌ای بر اسلین **روایت** رسیده معتقدند که منظور از «ترکی» دادن **زکات فطره** و خواندن **نماز عید** است

## ۱۷- مجلسی، محبب‌القر، بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۱۰۴ ح ۳.

، بعضی نیز **تزکیه** را در اینجا به معنی دادن **صدقه** مالی دانسته‌اند. مهم این است که تزکیه معنی وسیعی دارد که همه این مفاهیم را در بر می‌گیرد، هم پاکسازی **روح** از **آلودگی** شرک و هم پاکسازی از **اخلاق رذیله**، و هم پاکسازی **عمل** از **محرمات**، و هرگونه **ریا**، و هم پاکسازی [۱۶] و **جان** به وسیله دادن **زکات** در **راه خدا**، زیرا طبق آیه اخذ من اموالهم صدقه تطهر هم و تزکیهم بها

## ۱۸- توبه/سوره ۹، آیه ۱۰۳.

(از اموال آنها صدقه ای (زکات) بگیر تا آنها را به وسیله آن پاکسازی و تزکیه کنی) دادن زکات سبب **پلکی** روح و جان است. بنابراین، تمام تفسیرها ممکن است در معنی گسترده **آیه** جمع باشد.

### ← روایت در تفسیر آیه

چند روایت که در ذیل این آیه آمده است را مرور می‌کنیم:

**عبدالله بن مسعود** گفته است که مقصود از آیه «نکر اسم ربه فصلی»

## ۱۹- اعلیٰ/سوره ۸۷، آیه ۱۵.

آن است که انسان **زکات مال** خود را بدهد و **نماز** را **اقلمه** کند و بر این اسلین مرتباً می‌گفت: «رحم الله امرءا تصدق ثم صلی یعنی **خدا** بیمارزد کسی را که صدقه بدهد و نماز بخواند. سپس آیه یاد شده را **تلاوت** کرد.

عده‌ای دیگر گفته‌اند منظور از صدقه همان زکات فطره است که در اول **ماه شوال** پرداخت می‌شود. و تکبیرهای روز عید و نماز عید فطر را نیز شامل می‌شود. و به **عبدالله بن عمر** **نافع** می‌گفت: آیا صدقه داده‌ای؟ اگر پاسخ می‌داد بله صدقه داده‌ام به وی می‌گفت پس بیا به **مصلی** برویم و نماز بخوانیم و اگر پاسخ می‌داد: صدقه نداده‌ام به او می‌گفت صدقه بده تا به مصلی برویم و نماز بخوانیم. سپس آیه یاد شده را تلاوت می‌کرد.

**ابو خالد** گفت: نزد **ابو العالیه** رفتم، به من گفت روز **عید** قبل از آنکه برای نماز بروی به اینجا می‌آیی؟ **پاسخ** دادم: بله وقتی روز عید فرا رسید به نزد وی رفتم، از من پرسید آیا **افطار** کرده‌ای؟ پاسخ دادم: بله پرسید آیا **غسل** کرده‌ای؟ گفتم: بله گفت: آیا صدقه داده‌ای گفتم بله گفت تو را به این خاطر به اینجا فراخوانده‌ام که در ابتدا این اعمال را انجام دهی و پس از آن به مصلی بروی، آنگاه این آیه را خواند و گفت مردم **مدینه** هیچ صدقه‌ای را برتر از آن ندیدند که کسی به کس دیگر **ب** دهد.

## ۲۰- رازی، ابوالفتوح، تفسیر ابوالفتوح رازی، ج ۱۲، ص ۶۲

شخصی از **امام صادق (ع)** پرسید معنای آیه **قد افلح من تزکی**

## ۲۱- اعلیٰ/سوره ۸۷، آیه ۱۴.

چیبست؟ فرمود: این است که هرکس **زکات فطره** بدهد، **رستگار** می‌شود. پرسید معنای آیه و ذکر اسم ربه فصلی

## ۲۲- اعلیٰ/سوره ۸۷، آیه ۱۵.

چیبست؟ فرمود این است که (برای نماز عید) به سوی **جبانه** برود و نماز بخواند و منظور از **جبانه**، **صحرا** است

## ۲۳- صدوق، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۵۰۱ ح ۱۴۷۴.

**رسول خدا (ص)** همواره در روزهای عید فطر قبل از رفتن به مصلی **فطره** را تقسیم می‌کرد و این **آیه** را می‌خواند: «قد افلح من تزکی و ذکر اسم ربه فصلی»

## ۲۴- اعلیٰ/سوره ۸۷، آیه ۱۴-۱۵.

## ۲۵- طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲۰، ص ۲۷۱.

### آداب نماز عید فطر

## خداوند متعال در فرازی از آیه ۳۱ سوره اعراف

## ۲۶- اعراف/سوره ۷، آیه ۳۱.

می‌فرماید: «خذوا زینتکم عند کل مسجد...» یعنی هنگام رفتن به **مسجد** زینت‌های خود را بردارید. این خطاب به همه فرزندان **آدم** به عنوان یک **قانون** همیشگی که شامل **اعصار** قرون می‌شود که **زینت** خود را به هنگام رفتن به مسجد با خود داشته باشید.

این جمله می‌تواند هم اشاره به **زینت‌های جسمانی** باشد که شامل **پوشیدن** لباس‌های مرتب و **پاک** و **تمیز** و شانه زدن موها، و به کاربردن **عطر** و مانند آن می‌شود، و هم شامل **زینت‌های معنوی**، یعنی **صفات انسانی** و **ملکات اخلاقی** و **پاکی نیت** و **اخلاص**. و اگر می‌بینیم در بعضی از **روایات** اسلامی تنها اشاره به **لباس** خوب یا **شانه کردن موها** شده و اگر می‌بینیم تنها سخن از مراسم **نماز عید** و **نماز جمعه** به میان آمده است، دلیل بر انحصار نیست بلکه هدف بیان مصداق‌های روشن است و همچنین اگر می‌بینیم که در بعضی دیگر از روایات، زینت به معنی **رهبران** و **پیشوایان شایسته** تفسیر شده دلیل بر وسعت **مفهوم** آیه است که همه زینت‌های ظاهری و باطنی را در بر می‌گیرد.

در **کتاب المقتنع** گفته است: «سنت در افطار عید قربان این است که بعد از نماز انجام شود و در عید فطر قبل از نماز. [طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۶، ص ۳۳۷.](#)»

از امام صادق (علیه السلام) نقل شده که فرمود: اگر در روز عید فطر برای رسول خدا (ص) عطر می آوردند اول به زین خود می داد. [صدوق، محمد بنعلی، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۷۴، ح ۲۰۵۵.](#)

#### پانویس

۱. [↑](#) مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۱۳۱.
۲. [↑](#) بقره/سور ۲، آیه ۱۸۵.
۳. [↑](#) بقره/سور ۲، آیه ۱۸۵.
۴. [↑](#) رازی، ابوالفتوح، تفسیر ابوالفتوح رازی ج ۲، ص ۱۸.
۵. [↑](#) نوری طبرسی، حسین، مستدرک الوسائل، ج ۶ ص ۱۳۷.
۶. [↑](#) حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۴۵۵.
۷. [↑](#) کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۴، ص ۱۶۶.
۸. [↑](#) بقره/سور ۲، آیه ۱۸۵.
۹. [↑](#) طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۲۸.
۱۰. [↑](#) رازی، ابوالفتوح، تفسیر ابوالفتوح رازی، ج ۲، ص ۶۸.
۱۱. [↑](#) اعلی/سور ۸۷، آیه ۱۴-۱۵.
۱۲. [↑](#) مؤمنون/سور ۲۳، آیه ۹-۱۰.
۱۳. [↑](#) شمس/سور ۹۱، آیه ۹.
۱۴. [↑](#) اعلی/سور ۸۷، آیه ۱۴-۱۵.
۱۵. [↑](#) اعلی/سور ۸۷، آیه ۱۵.
۱۶. [↑](#) اعلی/سور ۸۷، آیه ۱۴.
۱۷. [↑](#) مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۱۰۴ ح ۳.
۱۸. [↑](#) توبه/سور ۹، آیه ۱۰۳.
۱۹. [↑](#) اعلی/سور ۸۷، آیه ۱۵.
۲۰. [↑](#) رازی، ابوالفتوح، تفسیر ابوالفتوح رازی، ج ۱۲، ص ۶۲.
۲۱. [↑](#) اعلی/سور ۸۷، آیه ۱۴.
۲۲. [↑](#) اعلی/سور ۸۷، آیه ۱۵.
۲۳. [↑](#) صدوق، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۵۰۱ ح ۱۴۷۴.
۲۴. [↑](#) اعلی/سور ۸۷، آیه ۱۴-۱۵.
۲۵. [↑](#) طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲۰، ص ۲۷۱.
۲۶. [↑](#) اعراف/سور ۷، آیه ۳۱.
۲۷. [↑](#) طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۶، ص ۳۳۷.
۲۸. [↑](#) صدوق، محمد بنعلی، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۷۴، ح ۲۰۵۵.

#### منبع

[دانشنامه موضوعی قرآن.](#)